

«تآتر» و چشم اندازهای تازه

● دوستان عزیز! پیش از هر چیز شاید بد نباشد، به کوتاهی نظر کلی خود را درباره جشنواره چهارم تآتر که اینک به آخرین روز آن رسیده‌ایم بیان بفرمائید.

ف: می بینم که هر سال که می گذرد جشنواره، گسترده‌تر می شود، از نظر کمی و متنوع تر می شود از جهت کیفی. این روند رو به گستردگی، برخلاف نظر بسیاری از کسان که چشم انداز تآتر در خارج از کشور را تیره می بینند، امیدهای بسیاری برای آینده به وجود می آورد. در این چهار سال پل های ارتباطی بسیاری بین گروه های تآتر خودی، بین ایرانی ها و گروه های غیر ایرانی و همبستگی بین هنرمندان و تماشاگران به وجود آمده

● در آخرین ساعات پایانی چهارمین جشنواره تآتر ایرانی در کلب، فرصتی به دست آمد تا با پنج تن از دوستان اهل تآتر، هم درباره جشنواره و هم در زمینه جلوه های تازه ای که در تآتر امروز ایران - و جهان حتی - به چشم می خورد، به گفتگویی صمیمانه بنشینیم. نکته های بحث برانگیزی در این گفتگوی چند جانبه مطرح شده است که در یغمان آمد، که از انتشار آنها در گذریم. از این روی بر آن شدیم که مجموعه گفتگورا - با حداقل ویرایش و پیرایش در دو شماره پیاپی از نظر خوانندگان گرمای کیهان بگذرانیم.

شرکت کنندگان در گفتگو عبارتند از: «مجید فلاح زاده» کارگردان و مدیر جشنواره (ف) - «بهرخ حسینی بابائی» بازیگر و کارگردان (ب) - «ایرج جنتی عطائی» نویسنده و کارگردان (ج) - «ایرج زهری» کارگردان (ز) - و «فرهاد مجدآبادی» کارگردان و مدیریت سمینار تآتر (م). بدیهی است که عرصه فرهنگ کیهان برای هرگونه واکنش و اظهار نظر باز است.

هوشنگ محمود

افراطی نیز دارد. یعنی نوعی عمده کردن مسائل فمینیستی در برابر مسائل اساسی، فراگیر و همگانی، که کل جامعه ما یا حتی جهان امروز با آنها دست و پنجه نرم می کند. در این باره شما چه می گوید؟

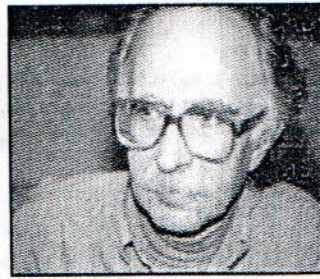
ج: حضور زنان بیشتر در جشنواره، البته به معنای پرداختن به مسأله زن، یا «فمینیسم» نیست. بهرحال تعداد آثاری از این دست که شما اشاره می کنید در مجموعه برنامه جشنواره اندک است. اشکال من البته در جای دیگری است که به «فمینیسم» یا هر «ایسم» دیگری خلاصه نمی شود. نکته این است که آیا آن «اندیشورگی»، سوار بر تآتر است یا تآتر محملی است برای بیان هر نوع نظری که نویسنده و یا کارگردان دارد.



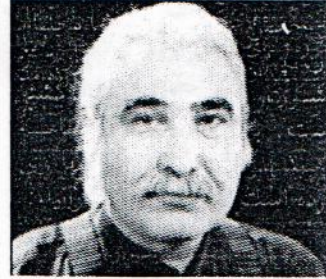
ایرج زهری



مجید فلاح زاده



فرهاد مجدآبادی



ایرج جنتی عطائی

وقتی ما داریم «تآتر» می بینیم، دیگر فرق نمی کند که کدام «اندیشورگی» را تبلیغ یا به ما منتقل می کند مهم آن است که آیا آنچه می بینیم واقعا «تآتر» هست یا نه؟ به نظر من باید دید که فمینیسم، سوسیالیسم، دموکراسی و این گونه اندیشورگی ها، چگونه در ذهن و گوهر يك نویسنده رسوب کرده اند و چگونه به عنوان يك كار صحنه ای بازآفرینی شده اند و جریان پیدا می کنند. نه اینکه فقط این فکرها، تبدیل به شعاری شده باشند و شما بخواهید آنها را به يك تآتر «سنجاق» کنید.

ز: من نمایشنامه «بازی آخر» کار خانم «نیلوفر بیضائی» را دیده ام و اتفاقا در پاره اش نیز دارم چیزی می نویسم. به یادم آمد گفته ای از «فروغ فرخزاد» در گفتگوی با «ایرج گرگین». «گرگین» گفته بود «من در اشعار شما يك ذهنیت زنانه می بینم» و فروغ پاسخ داده بود: «من برای «ادم» ها شعر می گویم. مسأله من مسأله زنان نیست».

خانم هایی که در این دوره در برنومرز زندگی می کنند دو نگرش دارند. نگرش اول می گوید که زنان ایرانی همیشه در بند و اسیر بوده اند و اسارتشان پیوسته محکمتر می شود. روی دوم نگاه آنها به نهضت آزادی زنان بطور کلی برای به دست آوردن حقوق برابر با مردان است که در برنومرز نیز مطرح است. یعنی در اروپا و در همین آلمان، حتی مردها نیز دنباله رو این نهضت شده اند. مسأله این است که همه ما وقت با زن، رویرو

بیاموزند. نه تنها از آدم های باتجربه تآتر - که البته نکته های بسیار دارند برای آموزاندن - بلکه باید بیشتر بخوانند، مطالعه کنند و به کلاس های تآتر بروند. م: من هم به دلیل گرفتاری های مربوط به برگذاری «سمینار تآتر» پیوسته به جشنواره فرصت کافی نداشته ام که همه برنامه های صحنه ای را ببینم. این است که فقط به ارزش های کلی جشنواره اشاره می کنم. این «حرکت» و این «اتفاق»، مخصوص در دور سوم و چهارم - پارسل و امسال - جلوه بیشتری پیدا کرده است. گروه های بیشتری به آن راه یافته اند. بدیهی است که قرار نیست - در هیچ جشنواره ای - کیفیت همه کارها یکسان باشد. در این گونه گردهمایی ها، همه اهل حرفه، پیرترها، جوان ها، باتجربه ها و از راه رسیده ها، همه از هم می آموزند و به هم می آموزاندند. از همین راه است که تآتر برنومرز رشد خواهد کرد. جشنواره، خود به ما می آموزاند که تا چه حد به یکدیگر نیاز داریم، و باید با هم کار بکنیم. البته من هم عقیده دارم که حالا دیگر جشنواره باید کمی بیشتر به «کیفیت» کارها توجه پیدا کند و این «کمیت» گسترده را کمی جمع و جور کند. با این «جمع و جور شدن»، هم کیفیت کارهای اجرایی بالا می رود و هم در زمانی فشرده تر، علاقمندان بیشتری می توانند از برنامه ها استفاده کنند. نکته دیگر آن است که جشنواره نیاز به يك بخش «تئوریک» هم دارد. حال آگ مثلاً امسال، سمینار، دو حاشیه آن

تبعید، در این هیجده نوزده سال اخیر، رخ داده است. برخورد هنرمندان تآتر با یکدیگر گذشته از همه چیز تجربه های عاطفی یگانه ای را به وجود می آورد. من مثلاً فرصت پیدا می کنم معلمین تآتری نسل خودم را ببینم، در کنارشان بنشینم، حرف هایشان را بشنوم و بده و بستان های حرفه ای با هم داشته باشیم. این یکی از دستاوردهای جشنواره است. از سوی دیگر در این دو سال که به جشنواره آمده ام با «جوان» هایی آشنا شده ام که تازه، وارد دایره «دید» سالخورده ها شده اند. نمایشنامه نویس ها، بازیگران و کارگردانان جوانی - که گاه به فارسی هم کار نمی کنند - ولی مهم این است که کار می کنند و کارهایشان امیدوارکننده است. برخی هاشان حتی می شود گفت کارهای درخشانی کرده اند. خوب اگر جشنواره ای نمی بود، ما با این جوانان نیز آشنا نمی شدیم و این همه به آینده تآتر در برنومرز امید نمی بستیم.

ز: من هم نتیجه کار جشنواره را بی نهایت مثبت ارزیابی می کنم. «باز» گذاشتن در جشنواره به روی جوانانی که دارند «طبع آزمایی» می کنند، در تآتر، کار مثبتی است. در همین «طبع آزمایی» ها من به جوان با استعدادی برخورددم به نام «فروغ» که در او آینده درخشانی را می بینم. یا مثلاً توجه من به سوی «نیلوفر بیضائی» کشیده شد که اندیشمند است و ذوق «زیبایی شناسانه» دارد. و نیز توجه پیدا کردم که خیلی از

است. از همین حالا می شود پیش بینی کرد که این گونه ارتباطات در جشنواره پنجم باز هم افزایش خواهد یافت و گروه های تازه ای به جشنواره راه خواهند یافت. هنرمندان حرفه ای ما نیز خیلی از برنامه های جشنواره چهارم را پسندیده اند و علاقمند شده اند که با ما همکاری نزدیک داشته باشند. مشارکت این هنرمندان در کار جشنواره، طبعاً کیفیت کار ما را بالاتر خواهد برد و کیفیت بالاتر، مخاطبان بیشتری را رویرو می قرار خواهد داد.

ب: من در مجموع باید بگویم که در جشنواره چهارم همه جور کاری وجود داشته است؛ کارهای خوب، کارهای متوسط و حتی کارهای ضعیف. ولی از همان اولین جشنواره فکر ما آن بود که هیچگونه محدودیتی در کار نباشد. هیچگونه سانسور هنری و سیاسی وجود نداشته باشد. فکر ما هنوز هم اینست که همه کارها، روی صحنه بیاید. در طول زمان داوری های مخاطبان، خود نقش «غربال» را بازی خواهد کرد. به همین دلیل است که کیفیت کارها بسیار متفاوت است، از بسیار خوب تا بسیار بد! ولی با این همه اگر «میانگین» جشنواره را بخواهیم به دست آوریم، به نظر من به يك کیفیت متوسط مایل به خوب می رسم.

ج: من امسال نتوانستم، مثل سال پیش، همه کارهای جشنواره را با فراغ بال ببینم. ولی خوب، با نگاهی روی برنامه، من هم با «بهرخ» هم نظر هستم که نام ها